

## جوانان ایرانی در مقابل تاریخ

contact@korosherfani.com

کوروش عرفانی

پخش فیلمی تحت عنوان « شیخون، نسل بی دفاع»<sup>1</sup> از شبکه خبر و کار «باشگاه خبرنگاران جوان»<sup>2</sup> بهانه ای است برای نگاهی دیگر به وضعیت نسل جوان در ایران. این فیلم که توسط دستگاه ایدئولوژی ساز صدا و سیما لاریجانی ساخته شده بود با ارائه چند مثال از جوانان تهران تلاش کرده است موقعیت آشفته ی روانشناسی اجتماعی آنها را به تصویر بکشد و برای این درد اجتماعی راه حل معجزه آمیز پناه بردن به فرهنگ سیاه جنگ و بسیج را پیشنهاد بدهد. این فیلم به تنهایی سندی است از تفکر سیاه حاکم بر نظام جمهوری اسلامی که به جوانان سفارش می کند میان سکس سالاری، الکل سالاری یا... مرگ سالاری از نوع بسیجی، یکی را انتخاب کنند. پخش این فیلم بهانه ای است برای سخن با جوانان ایرانی. در این مقاله بدون وارد شدن به جزئیات ریزمکانیزم های به بند کشیدن جوانان، تنها اشاره ای خواهیم داشت به برخی از واقعیات که از دل مشاهدات برمی آید. جوانان داخل کشور بهترین قضاوتگران گفته های این نوشتار خواهند بود.<sup>3</sup>

\* \*

در کشورهای استبدادی، نسل جوان بیش از هر چیز به عنوان یک دردسر محسوب می شود. این امر بخصوص در کشورهای فقیر و مبتلا به دیکتاتوری صادق است. دلیل آن نیز این است که عدم تامین آینده ی روشنی برای جوانان، آنها را به مبارزین ضد حکومتی تبدیل می کند. رژیم آخوندی نیز جوانان ایرانی را از همان روز نخست از دشمنان خود محسوب کرده و با تمام قوا در صدد کنترل و نابودی آنها برآمد. تنور جنگ هشت ساله با تلفات یک میلیونی خود و سرکوب مخالفان با یک صد هزار اعدام و چند صد هزار تبعیدی و زندانی از جمله راهکارهای آن در این باره بود. اما اوضاع در شرایط کنونی و بیست و پنج سال پس از بقای رژیم چگونه است؟

### روشهای مهار نسل جوان

برای این منظور چندین محور مورد نظر جمهوری اسلامی قرار گرفته است :

1- در خدمت گرفتن : نخستین تلاش نظام این است که جوانان در قالب نظامی و مزدور و عمله ی خود درآورد. بسیجی و پاسدار و چماقدار از آنها بسازد. بخشی از جوانان البته جذب این ماشین نظامی-امنیتی- انتظامی رژیم می شوند. اما این تنها بخش محدودی از نزدی به 20 میلیون نیروی جوان کشور را شامل می شود. دستگاه دولتی بطور کلی بخش ناچیزی از جوانان را جذب خود کرده و در فرهنگ مدیریت استبدادیش حل می کند.

<sup>1</sup> این فیلم در آدرس زیر قابل مشاهده است : <http://www.safa.sepand.com/Shabikhoon.wmv>

<sup>2</sup> <http://www.peiknet.com/1383/page/10khor/p399javan.htm>

<sup>3</sup> پیشاپیش از زبان صریح این نوشتار که می تواند موجب ناخشنودی برخی شود عذر می خواهم، اما این یک روایت از واقعیت است، روایت های دیگر را سایرین گفته اند و خواهند گفت.

- 2- عادي سازي : تلاش رژيم بر اين است كه در حد امكان جوانان را به يك بقاي عادي راضي سازد. اينكه تحصيل كنند، سالهاي سال از عمر خود را صرف كنكور و تحصيل دانشگاه و فراگيري زبان كنند تا شايد كاري پيدا كنند و با وام و قرض دولتي ازدواج کرده و تشكيل خانواده داده و به «سر به زير» زندگي كنند. در بهترين حالت رژيم مايل است كه جوانان سرشان به تحصيلات يا پول درآوردن و مشكلات روزمره يك زندگي پردردسر گرم باشد. اما در اينجا نيز وضعيت وخيم اقتصادي و اجتماعي سبب شده است كه اكثريت جوانان نتوانند حتي به همين زندگي عادي بپردازند. پايداي طبقاتي هر جوان در اين ميان بسيار مهم است.
- 3- فراري دادن : جمهوري اسلامي بسيار مايل است كه جوانان با يا بدون برنامه راه خارج را در پيش بگيرند و «بار» خود را از سر نظام اسلامي در مانده كم كنند. به همين خاطر است كه در مقابل فرار مغزها كمترين اقدامي نكرده و حتي آنرا تشويق مي كند. مقامات حكومتي بارها دست به دامان كشورهايي مانند كانادا و استراليا شده اند تا بتوانند جوانان را به عنوان نيروي كار ارزان قيمت در اختيار آنها بگذارند.
- 4- تخريب گري : رژيم اسلامي از اين وحشت دارد كه جوانان بي آينده و بي كار از لحاظ جسمي و رواني سالم باقي بمانند تا به دنبال احقاق حقتشان برآيند. به همين دليل نيز شرايطي را فراهم کرده است كه جوانان بتوانند بدون كمترين مشكلي از طريق سكس، انواع اعتياد، الكل، ولگردي، الكي خوش بودن، پرداختن به ظاهر و لباس، لاابالي گري خود را از حيث جسمي و روحي نابود سازند. مافياهاي رژيم در اين باره بسيار فعال عمل مي كنند. دهها تن مواد مخدر در ماه بدون مشكلي از مرزهاي شرقي وارد ايران مي شود.
- 5- صوفي منشي : براي آن عده اي كه نمي خواهند آلوده ابزارهاي مخرب جسمي رژيم شوند هيچ امكاني جز پناه بردن به آداب و رسوم منفعل سازي مانند درويش مسلكي، صوفي گري و از اين قبيل به جاي نمانده است. جوانان را به سمت خانقاه ها و درويش خانه ها هل مي دهند تا در يك دنياي معنوي ذهن ساخته فرو روند و از تبديل شدن به انسانهاي آگاه، فعال، عيني گرا و مبارز جلوگيري كنند. معنويتي كاذب و مذهبهاي گرايي هاي دروغين كه نقش مخدر فكري را دارند.<sup>4</sup>
- 6- سرکوب : و سرانجام اگر جواناني هستند كه از اين پنج فيلتر بالا عبور کرده و تصميم به اعتراض گري مي كنند با يك دستگاه سرکوبگر مجهز و سازماندهي شده و با خشونت تمام آنها را بازداشت، حبس، شکنجه و اعدام مي كند تا مبادا اين جريان در ميان جوانان عمومي شود.

## استراتژي امنيتي نظام

هدف رژيم از اين سياست شش جانبه چيزي نيست جز «غير سياسي كردن نسل جوان». همان چيزي كه از آن به عنوان «اخته كردن نسل خطرناك» يا «عقيم كردن مبارزان بالقوه» نام مي برند. زيرا يك جامعه براي تغيير سياسي نياز به فعالان سياسي دارد كه از ميان جوانان تشكيل مي شود. زماني كه نسل جوان يك جامعه در دام هاي گوناگون حاكميت ديكتاتوري گرفتار مي شود، اعتراض گري وسيع و كنش گري براي ايجاد تغييرات نيز بطور عملي ناممكن مي شود. در اين حالت رژيم استبدادي حاكم براي خود **امنيت ساختاري** بوجود آورده است. اين نوع از امنيت زماني حاصل مي شود كه يك رژيم استبدادي موفق مي شود امكان **بازتوليد كنش گران سياسي** را از يك ملت سلب كند. اتفاقي كه در ايران افتاده است. ميليونها جوان ايراني كه مي توانستند با يك خيزش مبارزاتي چند روزه به عمر حكومت خاتمه دهند در اين فيلترهاي شش گانه رژيم تار و مار شده اند و در سايه ي اين

<sup>4</sup> پيوند ميان الكل و انزوا طلبي را در بخشي از فيلم مي بينيم. جواني كه استكان ودكار را در دست دارد قبل از نوشيدن آن مي گويد : «مي خوريم به سلامتي سه كس تنها، غريب، بي كس»

استراتژی امنیتی، جمهوری اسلامی بیش از 25 سال است که دوام آورده و آینده را خواهیم دید.

کشورهایی مانند انگلستان، آلمان، اسرائیل البته رژیم را درتدوین و اجرای این سیاست یاری داده اند؛ حاصل کار اینجاست و چنانچه می بینیم دارد به نفع جمهوری اسلامی عمل می کند.

به نسل های گذشته امیدی نمی رود و اگر نسل جوان آگاه نشود وضعیت کنونی همچنان ادامه پیدا خواهد کرد و ملت ایران هر روز در فقر و ذلت و نکبت بیشتری فرو خواهد رفت. **نجات این ملت جز از طریق جوانان ممکن نیست و نجات جوانان جز بدست خوشان عملی نخواهد بود.**

### آنچه رژیم برای جوانان می خواهد

تاکنون جمهوری اسلامی موفق شده است که اندک پتانسیل مبارزاتی موجود در جوانان را با استفاده از عوامل خود مانند خاتمی، اصلاح طلبان و تشکل های دانشجویی یا شبه سیاسی تحت مدیریت دولتی، کنترل کند. رژیم آخوندی پروژه خاتمی را زمانی مطرح کرد که این پتانسیل جوانان در بالاترین حد خود بود. وظیفه او و اصلاح طلبان اطرافش مهار این پتانسیل از یکسو و تخریب تدریجی آن از طرف دیگر بود. اغلب جوانان و دانشجویان فعال نیز به دلیل بی تجربگی سیاسی در دام آنها افتادند. این جریان، بخصوص بعد از 18 تیر 1378، تشدید شد تا روند نابودسازی نسل جوان مبارز با سرعت بیشتر صورت گیرد. رژیم به همت اصلاح طلبان، این پاسداران سیاسی نظام، در کار خود موفق شد. حاصل کار، این چند میلیون جوان گم گشته، سرگشته، معتاد، تا خرخره در سکس و مشروب فرو رفته است که با تمام قوا در حال نابود سازی جسمی و روحی خود می باشند. هر چند که این افراد شامل تمامی نسل جوان نمی شود اما اکثریت مهمی را در بر گرفته است. اگر بخواهیم به زبانی رک، بی پرده و بی تعارف سخن بگوییم، جمهوری اسلامی به جوانان می گوید:

*ترياک بکشید، اما فریاد نکشید،*

*هرویین به رگ بزنید، اما فریاد نزنید،*

*خودتان را با عرق و ودکا و ویسکی خفه کنید اما عاملان جنایت پیشه ی این وضع را خفه نکنید،*

*سکس کنید، ولی مبارزه نکنید،*

*دختر و پسر، بر سر خود هر چه می خواهید بیاورید اما به آقازاده ها کاری نداشته باشید، در*

*نا امیدی و افسردگی رگهایتان را با تیغ بزنید، اما در گوش پاسدار جنایتکار نزنید،*

*نشسته و «منگ و لول» باشید، اما در پی درک چرایی بدبختی های جامعه نباشد،*

*جرات هر گونه کار خلاف را داشته باشید، ولی جرات مبارزه با ما را خیر،*

*«موزیک های اسیدی» گوش دهید، فیلم های پرنو ببینید، به هر گونه «کثافت کاری» اخلاقی*

*دست بزنید، اما لحظه ای درباره ی آینده ی سپاهی که برایتان آماده می کنیم فکر نکنید،*

*آخوندها به جوانان می گویند:*

*اگر نمی خواهید بنده ی مذهب تخدیرگر ما باشید، بنده ی صوفی منشی انفعال آفرین و*

*شیطان پرستی و یا هر دین و مذهبی که خواستید باشید، یا برده ی تریاک و حشیش و عرق*

*و سکس باشید، مهم نیست، مهم این است که بنده و برده باشید، مهم این است که آزاد*

*منش نباشید.*

*اگر هم به دنبال معنویت همراه با دختر بازی یا پیدا کردن دوست پسر هستید، محرم و*

*تاسوعا و عاشورا را برایتان تدارک دیده ایم.*

*به دختران جوان ایرانی می گوید: شما «انسانها ی درجه دوم» یا باید از سن 9 سالگی در*

*خدمت امیال پلید شبه آدمهای ما باشید یا به هر حال وسیله ی ارضای حیوانی سایرین، فقط*

*جسم شماست که برای همه جالب است.*

*می گوید: از خانه فرار کنید، معتاد شوید، بعد برای تامین مواد خود را بفروشید و بعد از ابتلای*

*به بیماری ها مقاربتی بمیرید، اما حقتان را هرگز طلب نکنید،*

به پسران جوان ایرانی می گوید: موهائیتان را هرگونه می خواهید آرایش کنید، زیر ابرو بردارید، سرمه بکشید، اگر خواستید دامن هم تن کنید، اما صدایتان در نیاید تا آقا زاده ها و بازاریها و آخوندها بتوانند ببرند، برج بسازند، در شمال ویلاهای آنچنانی بسازند، میلیونها ثروتان را به انگلیس و کانادا و دبی منتقل کنند و هر وقت هم که خواستند به هر هموطن شما تجاوز کنند و لذتش را ببرند.

رژیم به جوانان می گوید: اینجا جهنم شماست، در جهنم شادی و تفریحات سالم نیست، فقط عزا و مرگ و بسیجی و آخوند ریشواست، اگر به دنبال شادی هستید قرص شادی آور<sup>5</sup> بخورید و ساعتی خوش باشید، به دنیای اینترنت و چت و گفتگوهای یک من دو غاز پناه ببرید، اما حرف سیاسی نزنید، چون اگر اعتراض سیاسی کنید می اندازیمتار کنار احمد باطبی که سرش را در چاه توالی فرو کردند. می گوید: با باطبی به زور این کار را کردیم شما خودتان این کار را با خود بکنید.

خلاصه، پیام رژیم آخوندی - بازاری به جوانان این است: همچون کرم در خود بلولید، در الکل و سکس و دود و ابتذال غوطه بخورید، اما هوس مبارزه ی سیاسی به سرتان نزنید. چون اگر به فکر سیاست بیافتید عده ای چماقدار را می فرستیم تا «سرمه های چشمهائیتان را پاک کنند»<sup>6</sup>.

این زبانی است که رژیم با اکثریت جوانان سخن می گوید: یا مزدوری برای من کنید، یا سرتان را پایین بیاورید و با درس و کار به درآمد بخور نمیر اکتفاء کنید، یا گورتان را از مملکت گم کنید، یا درویش و از دنیا بریده شوید، یا با مشروب و سکس و تریاک خودتان را نابود کنید و گرنه سروکارتان با اوین است.

آیا این توصیف از موقعیت جوانان در ایران، اغراق آمیز به نظر می آید؟ آیا این نوع بیان عریان مسائل عده ای را عصبانی می کند؟ آیا جوانان از خواندن مطالبی از این دست برآشفته می شوند و احساس می کنند دارد به آنها توهین می شود؟ شاید... اما واقعیت چیست؟ قدری بدتر قدری بهتر؟ قدری کمتر قدری بیشتر؟ و این واقعیت سیاه همین گونه هم باقی خواهد ماند تا زمانی که جوانان به خود بیایند. تا زمانی که قبول کنند در این جهان هیچ تائبنده ای برایشان دل نخواهد سوخت جز خودشان. سرنوشت خود را هرگز نباید به دست دیگران سپرد. جوانان ایرانی باید بدانند نه بوش، نه آمریکا، نه اپوزیسیون و نه هیچ امداد دیگری کاری را که به عهده ی خودشان است انجام نخواهد داد. فرار از وظیفه آینده ای ندارد. نجات ایران با ایرانی است. برآستی رژیم باید از این هم رگ تر و صریح تر با جوانان تعیین تکلیف می کرد تا نسل جوان بفهمد با چه هیولاهایی روبروست؟

## با چه رژیمی روبرو هستیم؟

خوب می دانیم رژیم جمهوری اسلامی مرکب از پلیدترین عناصری است که تاریخ اجتماعی ایران در طول قرنهای گذشته تولید کرده است: آخوندها و بازاریها. بعد از انقلاب بر اینها مشتکی تازه به دوران رسیده ی بی هویت و غارتگر هم اضافه شد که برایشان فرقی ندارد ماکارونی ایرانی صادر کنند یا دختر ایرانی، خیارشور به خارج ببرند یا کودکان خیابانی را به ترکیه، تا اعضای بدنشان را به فروش برسانند. میهن ما به دست چنین حیوان صفتانی افتاده است که البته تولید جامعه ی خودمان هستند و تا اعضای این جامعه تصمیم به دگرگون ساختن آنها نکنند، دوام خواهند آورد. حکومت کنونی ایران، مرکب از قشرهایی است که انگل های بدن جامعه ی ایران هستند و تا زمانی که از پیکر جامعه دفع نشوند به آسیب زدن خود مشغول خواهند بود. جوانان ایرانی باید بدانند که اگر آنها هنوز نان بخور و نمیری بدست می آورند، فرزندانشان شاید حتی آن نان را هم نداشته باشند. زیرا با روند فعلی، آینده

<sup>5</sup> در مورد قرص های شادی آور یا «اکستیسی» نگاه کنید به: <http://www.irdrug.com/ecstasy.htm>

<sup>6</sup> نقل به مضمون از فردی که چنین چیزی را از چماقداران مهاجم به دانشجویان شنیده بود.

اقتصادی ایران به سمت آنچنان وضعیت تباہی می رود که بدون درآمد نفت، مردم ایران در دهه های آینده، تنها به همت ارسال مواد غذایی بشردوستانه ی سازمان ملل قادر خواهند بود از قحطی و گرسنگی برای مدتی جان سالم بدر برند. فراموش نکنیم که با ریتم استخراج فعلی، ایران تنها تا حداکثر دو دهه ی دیگر نفت خواهد داشت.

رژیم اسلامی کشوری را به سمت تباہی و انحطاط خود پیش می برد که اگر از نعمت دمکراسی برخوردار بود می توانست سرنوشت منطقه را عوض کند. پتانسیل های مادی و انسانی این جامعه به دلیل مدیریت استبدادی، ضد ملی و غیر عقلایی کشور نابود شده و می شود. جوانان ما باید لحظه ای تصور ایرانی را بکنند که از آزادی برخوردار است، حکومتی دمکراتیک دارد که عدالت اجتماعی و پیشرفت اقتصادی را بطور توأم، با مدیریتی نوین و عقلایی تأمین می کند. جامعه ای که در آن هر ایرانی از حقوق برابر شهروندی برخوردار است. جامعه ای مبتنی بر شانس های برابر و شایسته سالاری انسانی و غیر طبقاتی. جامعه ای که در آن انسانها حق رشد مادی و تعالی معنوی را به طور آزاد و آگاهانه دارند و حکومت تعیین کننده راه و مسیر خوشبختی انسانها نیست. کشوری که در آن حرمت انسانی، حقوق شهروندی و آزادیهای فردی و اجتماعی افراد به طور قانونی و نهادینه تضمین می شود. ساختن چنین جامعه ای در ایران، ممکن و قابل تصور است. یگانه مانع اصلی آن حاکمیت است متشکل از اقشار و طبقات عقب مانده، کهنه گرا، ضد مردمی و ضد آزادی. حکومت های غربی که بواسطه ی ماهیت این رژیم در حال چپاول اقتصاد ایران هستند هرگز برای تغییر آن اقدامی نخواهند کرد. برعکس در حفظ آن می کوشند. از طرفی نیز نسل های گذشته قادر نیستند در شرایط تباہ و سیاه فعلی تغییری بوجود آورند، پس، وظیفه ی نجات ایران بر عهده ی نسل جوان آن است. نسلی که باید خود را از مرداب رژیم ساخته ی فساد، فحشا، اعتیاد و ترس و انفعال بیرون بکشد و با آگاهی و قاطعیت به میدان مبارزه تغییر گرا پا بگذارد. این کار شدنی است و تنها اراده می خواهد.

### شکست رژیم ممکن است

رژیم آخوندی برخلاف ظاهر پر ادعای خود، بسیار شکننده است. فساد از سر تا به پای آنرا گرفته و هیچ شانسی برای حل مشکلات ساختاری کشور خود ندارد. طبقه ی حاکم فقط با اتکاء به ترسی که در دل مردم آفریده دوام آورده است. این ترس کاذب را که ناشی از کم بودن تعداد جوانان مبارز فعال است باید کنار گذاشت. **رژیم آخوندی-بازاری نه بواسطه ی قدرت خود، که بواسطه ی ضعف ما پا برجاست.** اگر جوانان ایرانی بر این فاجعه تاریخی که گرفتارش هستند آگاه شوند و همت کنند همه چیز تغییر خواهد کرد. جوانان ما به جای دچار شدن به انواع ناهنجاریهای اجتماعی و احساس گناه و خطا و خلاف کردن در مقابل مزدوران قضایی و انتظامی رژیم باید با جسم و روح سالم به درک و مطالعه ابعاد ویرانی مادی و معنوی ایران نائل شوند و با تجهیز خود به دانش مبارزاتی، وارد یک نبرد سیاسی و عملی سراسری برای آزاد سازی ایران شوند. جوانان باید آگاهی و شجاعت خود پرچمدار مبارزه رهاییبخش ایران از چنگ مثلث شوم آخوند-بازاری-پاسدار شوند. یک نسل آگاه و مصمم امروز قادر خواهد بود دیکتاتوری طبقاتی جمهوری اسلامی را سرنگون کند.

جوانان ایرانی می توانند به جای نابودی تدریجی خود و آینده شان به نابودی رژیمی اقدام کنند که علت ساختاری همه ی این نکبت و ذلت و خواری ملت ماست. جوانان ایرانی باید بدانند که تنها یک مبارزه ی توأم با شعور، قاطع و وسیع لازم است تا رژیم ضد مردمی در عرض چند روز نبرد مردمی جارو شود. هیچ نیروی مومن و معتقدی نیست که بخواهد از این رژیم فاسد و دزد و جنایتکار دفاع کند. آن اندک مزدورانی هم که برای نادانی یا منافع خود ایستادگی کنند مانند دانه ی شنی در مقابل موج های میلیونی مردم جارو خواهند شد.

فرا رسیدن ماه خرداد و تیر امسال باید جوانان را به خود آورد. این فرصتی است که نسل جوان به خود آمده و شجاعانه به میدان مبارزه ای پا گذارد که دیگر نه بر احساس و هیجان صرف، که بر انتخاب آگاهانه و توأم با فهم استوارست. در این باره جوانان نباید منتظر ابتکار عمل خارق العاده ای از جانب اپوزیسیون خارج از کشور باشند. اپوزیسیون تنها از طریق رسانه هایش می تواند از آنها حمایت کند. اما به همان گونه که نسل های گذشته در ایران نمی

توانند از پس این رژیم برآیند، اپوزیسیون خسته و مسن خارج از کشور نیز این توان را ندارد. این وظیفه، مانند همه ی تجارب جنبش های آزادیبخش جهان، بر عهده ی نسل جوان است. آینده از آنان جوانان است و آنها باید این آینده را در دست گیرند.

رژیم آخوندی با عملکرد بیست و پنج ساله خود ثابت کرده است که جز زبان زور نمی شناسد و به همین دلیل جز با زور نمی توان با او وارد ارتباط شد. این بار جوانان ما باید فریب محافظان سیاسی نظام را که به مبارزه ی مسالمت آمیز و پرهیز از خشونت و امثالهم دعوت می کنند نخورند. دانشجویان باید خود را از قید تشکل های به ظاهر دانشجویی تحت کنترل مستقیم یا پشت پرده ی رژیم رها سازند. مبارزه باید شکل و محتوای خود جوش مردمی و رادیکال بیابد زیرا این مبارزه در مقابل رژیمی است که به شکل رادیکال سرکوب می کند. رژیم اسلامی با اسلحه حکومت می کند و با شعار از جا کنده نخواهد شد. مبارزه ی فعال و عملی بر علیه دستگاه سرکوب رژیم یگانه طریق مبارزاتی است که از جانب رژیم به مردم تحمیل شده است. مبارزه ی مسلحانه مردمی هیچ گاه انتخاب نبوده اجبار بوده است. جوانان ایرانی باید بدانند که جز با شیوه ی مبارزه ی رادیکال عملی تغییری در شرایط بوجود نخواهند آورد. اینک که شعبده بازی اصلاح طلبی و فریبکاریهای مبارزه مسالمت آمیز رنگ باخته، نسل جوان ایرانی باید برای دفاع از حیثیت انسان ایرانی، بیرون کشیدن میهن از منجلاب فعلی و تأمین آینده ای روشن برای خود و نسل های فردا به میدان مبارزه رادیکال، عملی و قاطع پا گذاشته و سرنوشت تاریخی خود را یک بار برای همیشه بدست گیرد.

ملتی که به ظلم تن در ندهد هرگز در ذلت نخواهد زیست.

\* \*

[www.koroshfani.com](http://www.koroshfani.com)

31/5/2004